

تجددگرایی در شهر و رابطه‌ی آن با اخلاق نوع‌دوستانه با شهروندان؛ مطالعه‌ی موردی: جوانان ۲۰ تا ۳۵ ساله‌ی مشهد

منصور وثوقی^۱، مصطفی ازکیا^۲، رضا غیاث‌آبادی‌فراهانی^۳

چکیده:

در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچکدام به اندازه‌ی اتفاقاتی نیست که در شیوه‌ی زندگی شهری و نظام اخلاقی آن افتاده است. توسعه در شهرها آثار متنوعی بر ویژگی‌های اخلاقی داشته است. هدف از این تحقیق بررسی آثار گرایش به تجدد بر نوع‌دوستی شهروندان با یکدیگر در شهر مشهد است تا بر این اساس شیوه‌ی تعامل شهروندان تحت تأثیر مدرنیسم در شهر بررسی شود این پژوهش با ارائه‌ی رویکردی جدید در توصیف نظام اخلاقی شهروندی، به آثار مؤلفه‌های تجددگرایی بر رفتار نوع‌دوستانه، میزان تحمل و تساهل با همسایگان بر اساس ویژگیهای قومی و همچنین عضویت و فعالیت در گروههای انسان‌دوستانه پرداخته است. در این پژوهش یافته‌های تحقیق به روش پیمایش و ابزار پرسشنامه به دست آمده است، حجم نمونه ۲۷۳ نفر از بین جوانان ۲۰ تا ۳۵ سال شهر مشهد است. یافته‌ها نشان می‌دهد

۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران vosooghi_mn@yahoo.com

۲- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

rural.development1388@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

ghiasiftr@gmail.com

حداکثر ۱۳٪ جامعه‌ی مورد بررسی گرایش زیادی به تجدد دارند. در مجموع وضعیت اخلاقی دچار ضعف‌های جدی در نوع‌دوستی است به طوری که تنها ۲٪ از جامعه‌ی مورد بررسی فعالیت جدی‌ای در سازمانها و نهادهای انسان‌دوستانه دارند؛ همچنین تساهل و تحمل کمی نسبت به سایر اقوام مختلف به عنوان همسایه در شهر مشهد وجود دارد به طوری که نمره‌ی کمتر از ۲ به سه گروه افغانها، عربها و بلوچها نشان می‌دهد که جامعه‌ی مورد بررسی از نظر نوع‌دوستی حتی تحمل برخی از اقوام را به عنوان همسایه ندارد. از سوی دیگر تئوری مدرنیته‌ی بومی بهتر می‌تواند وضعیت اخلاق شهروندان جوان جامعه‌ی مورد بررسی را توضیح دهد.

کلید واژه‌ها: تجددگرایی، مدرنیسم، اخلاق شهروندی، مدرنیته‌ی بومی، نوع‌دوستی

مقدمه

در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچکدام به اندازه‌ی اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی، در روابط جنسی، حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است. درباره‌ی اینکه ما چگونه درباره‌ی خود فکر می‌کنیم و چگونه با دیگران پیوند و رابطه برقرار می‌کنیم، انقلابی در جریان است. این انقلاب است که در مناطق و فرهنگ‌های مختلف با سرعت‌های مختلف و با مقاومت‌های بسیار در حال پیشرفت است (گیدنز، ۲۰۰۳: ۶).

از پیشگامان تحلیل اندیشه‌ی تجددگرایی در شهرها زیمیل بود، زیمیل بیشتر به بُعد روان‌شناسی اجتماعی کردن انسان شهری توجه داشته است. براساس نظر او عقلانی شدن شیوه‌ی زندگی دو بعد دارد: بعد اول مربوط به محاسبه کردن و کمی می‌شود که پول ابزار اصلی آن است. به عبارت دیگر زندگی از عمق و کیفیت می‌افتد و سرعت و کمیت جایگزین آن می‌شود حاصل این گرایش در کنار دلزدگی ناشی از تنوع و تعدد محرک‌های شهری، بیگانگی انسان شهری است. بعد دیگر مربوط به آزادی و رهایی انسان از قیود جامعه‌ی کوچک و سنتی می‌شود که در این مرحله اندیشه امکان رشد بیشتری خواهد داشت (ممتاز، ۱۳۷۹: ۱۴۴).

به تعبیر او انسان در کلان‌شهرها اسیر دست مصنوعات و ساخته‌های خویش است. او

معتقد است انسان این کلان‌شهرهای مدرن باید دارای ذهن حسابگری باشد و به محاسبه‌ی دقیق زندگی و تبدیل کیفیت به کمیت پردازد. از سوی دیگر گوستاو استوا فعال سیاسی مکزیکی می‌گوید: «در مکزیک، اگر نتوان متوجه بوی تعفن توسعه شد، یا باید خیلی بی‌حس و یا خیلی ثروتمند بود. صدمه‌زدن به اشخاص، فساد سیاسی و انحطاط طبیعت که تا همین اواخر در توسعه بطور ضمنی وجود داشت، امروزه قابل لمس و درک است» (پیت، ۱۳۸۴: ۱۹۸). جریان انتقادی که در گرایش‌های پست مدرن‌ها و پسا توسعه‌ای‌ها، فرانکفورتی‌ها، فیمینسم‌ها، سنت‌گراها، در مقابل عصر مدرن صف‌آرایی کرده‌اند، بسیاری از انتقادات خود را حول نظام اخلاقی عصر مدرن بویژه در شهرهای بزرگ و صنعتی مطرح می‌کنند. بنابراین به نظر می‌رسد که مسأله‌ی تجدد در شهرها و تأثیر آن در روابط میان شهروندان، پرسشی مهم برای عصر کنونی است و این موضوع نه مختص به ایران بلکه پدیده‌ای جهانی است.

بیان مسأله

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد جامعه‌ی ایران نیز، دیرزمانی است که با پدیده‌های عصر جدید روبه‌رو شده است. انقلاب اسلامی سال ۵۷ با شعار مبارزه با مظاهر غرب‌گرایی به ثمر رسید و آرمانهایی برای پرورش نسلی اخلاقی و دینی در سر داشت اما امروز پس از گذشت نزدیک به ۴ دهه کمتر سخنران دانشگاهی حوزه‌ی فرهنگ یا واعظ دینی دیده می‌شود که در آن درباره‌ی انواع آسیب‌های اخلاقی در جامعه‌ی ایران صحبتی نکند. در این دوران تغییرات، بی‌تردید نسلی که بیشترین تأثیر را از این تغییر و تحولات قرار گرفته‌اند، جوانان و نوجوانان شهرهای بزرگ بوده‌اند. گروهی که به عنوان نسل آینده در جامعه‌ی ایران، سازنده‌ی اخلاق شهروندی در نظام اجتماعی خواهند بود. انگشت‌های اتهام به سمت و سوی مختلفی می‌رود از داخل تا خارج، از مدیران تا مردم، از دانشگاه تا حوزه. بنابراین اگرچه درباره‌ی تغییرات فرهنگی اتفاق نظر وجود دارد اما درباره‌ی چگونگی این تغییرات سؤال بسیار است. خصوصاً موضوع اخلاق شهروندی در

شهرهای مذهبی‌ای چون قم و مشهد که پایگاه تفکر دینی محسوب می‌شود از اهمیت ویژه‌تری برخوردار است.

بر این اساس سؤالات تحقیق در این پژوهش عبارتند از:

۱- چه رابطه‌ای میان تجددگرایی و اخلاق نوع‌دوستانه با شهروندان در میان جوانان

۲۰ تا ۳۵ سال شهر مشهد وجود دارد؟

۲- میزان نوع‌دوستی، عضویت و فعالیت در سازمانها و انجمن‌های انسان‌دوستانه

همچنین میزان نوع‌دوستی در روابط با همسایگان در شهر مشهد، در میان

جوانان ۲۰ تا ۳۵ سال شهر مشهد چقدر است؟

مروری بر ادبیات تحقیق

اخلاق و نوع‌دوستی

از اخلاق تعاریف متعددی شده است اما مهم‌ترین تعاریف متداول اخلاق عبارتند از:

۱- گاهی از اخلاق به عنوان صفات و حالات نفسانی است که موجب پیدایش کارهای

«نیک» و یا «بد» می‌شود یاد شده است که معادل انگلیسی آن "MORAL" است

۲- اخلاق در معنای دیگر آن به نظام رفتاری گروه یا فردی از انسان‌ها گفته می‌شود.

۳- گاهی نیز وقتی از اخلاق صحبت می‌شود منظور تلفیقی از تعریف اول و دوم است؛

به عبارت دیگر اخلاق از بایدها و نبایدهایی صحبت می‌کند که ترک یا فعل آن حاکی از

یک عمل در نظامی اخلاقی است؛ براین اساس اخلاقیات بر این عقیده استوار است که

آنچه برای انسان‌ها خوب یا بد است، نه فقط از یک دیدگاه آنان، بلکه از دیدگاه

فراگیرتری خوب یا بد است. (نیگل، ۱۳۷۹: ۴۰۴)

۴- برخی اوقات نیز منظور از اخلاق، اخلاق در علم یا فلسفه‌ی اخلاق است که معادل

انگلیسی آن "ETHIC" است که عبارت باشد از مجموعه‌ی دانشها درباره‌ی اخلاق

است؛ براین اساس علم اخلاق خود به سه قسم تقسیم می‌شود توصیفی، هنجاری، فرا

اخلاق (زکی، ۱۳۸۴).

به نظر می‌رسد تعریف دورکیم از اخلاق جامعیت بیشتری داشته باشد. از نظر دورکیم،

وظیفه‌ی اخلاقی تنها زمانی در مقام خود عمل می‌کند که «جامعه» کمال مطلوب دانسته شود زیرا به باور او تنها در این زمان است که وظیفه‌ی اخلاقی برای تجسم بخشیدن به مفهوم «انسان به منزله‌ی انسان»، به عنوان «صورت خاص آرمان انسانی» به مفهوم شهروند نزدیک می‌شود. در واقع باید گفت از نظر دورکیم مفهوم شهروند و جامعه درهم تنیده و انضمامی است (دورکیم، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

دورکیم در نهایت می‌گوید اگر در کسی سه روحیه باشد وی انسانی اخلاقی است؛ این سه ویژگی عبارتند از: انضباط نفس^۱، نوع‌دوستی^۲ و خودفرمایی^۳ (دورکیم، ۱۹۷۳: ۴۰). روحیه‌ی انضباط یا کفّ نفس، به این معنا که دایره‌ی مآذونات فرد اخص از دایره‌ی مقدرات او باشد؛

۱. روحیه‌ی نوع‌دوستی در جهت یاری دادن دیگران یا دیگرگرایی و یا دیگردوستی (البته دیگردوستی منافی خوددوستی، که وضع طبیعی انسان است، نیست، بلکه سخن در این است که علاوه بر خوددوستی آیا دیگردوستی هم در کسی هست یا خیر)؛

۲. روحیه‌ی خودفرمایی یا خودمختاری، به این معنا که مثلاً ترس از مانع بیرونی (قانون و دیگر انسانها) مانع آدمی از انجام کار ممنوع نیست، بلکه مانع درونی او را از این کار باز می‌دارد (ملکیان، ۱۳۸۹).

این تعریف با قاعده‌ی طلایی دیگردوستی که در تمام دین‌ها به عنوان اصل زرین یا قاعده‌ی طلایی معروف است همراهی بیشتری دارد؛ براین اساس گزاره‌ی مشترک این قاعده که از کلام بزرگان اخلاقی بسیاری از ادیان آمده است عبارت است از: «آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران بپسند و آنچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نیز نپسند».

تجددگرایی یا مدرنیسم^۱

مدرنیته «نوعی شرایط یا دوره‌ی زمانی و جایگاه یا موقعیت مکانی برای مدرنیته در نظر می‌گیرد، یا مدرنیته را با آن ملازم و همراه می‌سازد.» (گیدنز، ۱۳۸۰:۱۳۷) همچنین به غیر از مدرنیزاسیون یا «فرایندِ عینیِ تحولاتِ اقتصادی و سیاسی» (میرسپاسی، ۱۳۸۱:۱۳۲) بازوی دیگر مدرنیته، فرآیندی بینشی است که «مدرنیسم» خوانده می‌شود. فرهنگ پیشرفته‌ی واژگان آکسفورد، اصطلاح مدرنیسم را به عنوان «نماد اندیشه‌ها و شیوه‌های نوینی به کار برده که جایگزین اندیشه‌ها و شیوه‌های سنتی گردیده و همه‌ی جوانب و زمینه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان غربی، بویژه جنبه‌های مرتبط با دین، معرفت دینی، هنر و زیبایی او را در بر گرفته است».

در یک طبقه بندی از ویژگیهای این گرایش می‌توان به مؤلفه‌های زیر اشاره کرد:

- ۱- گرایش انسان به عقل‌گرایی (جهانگلو، ۱۳۸۳: ۲۲)، یا به تعبیر دقیق‌تر استدلال‌گرایی.
- ۲- گرایش انسان به علم تجربی. مراد از علم تجربی، علمی است که بر روش تجربی یعنی مشاهده، آزمایش، نظریه‌پردازی و آزمون نظریه‌ها متکی باشد.
- ۳- گرایش انسان به آزادی (جهانگلو، ۱۳۸۳: ۳۱۰).
- ۴- گرایش انسان به لحاظ سیاسی به یک دموکراسی لیبرال (جهانگلو، ۱۳۸۳: ۱۱۵).
- ۵- گرایش انسان به لحاظ اقتصادی به رفتار اقتصاد سرمایه‌داری.
- ۶- گرایش انسان به اومانیسم. اومانیسم یا انسان‌گرایی اعتقاد به این قول است که همه چیز باید به نحوی در خدمت انسان قرار گیرد (ملکیان، ۱۳۸۶: ۳۴-۴۵).
- ۷- به غیر از موارد یاد شده مسأله‌ی تجددگرایی در ایران با یک ویژگی اضافی تاریخی نیز همراه بود و آن عبارت بود از نوعی احساس عقب‌افتادگی نسبت به جهان غرب (جهانگلو، ۱۳۸۱: ۴۷).

۸- گرایش انسان به تفکر انتقادی و (جهانگلو، ۱۳۸۱: ۱۸۷).

همچنین مدرنیسم یا تجددگرایی به دلیل ماهیت ویژه‌ی آن، گرایشی است که تغییرات مستمر و پی در پی در بطن آن وجود دارد. این گرایش به ناپایداری ابدی تعبیر شده است، به طوری که به تعبیر شارل بودلر شاعر فرانسوی، وظیفه‌ی «نقاش زندگی مدرن» را کشیدن ناپایداری می‌داند (فریزی، ۱۹۹۲: ۴۵).

بنا بر آنچه اشاره شد تعریف نهایی از مدرنیسم یا تجددگرایی گرایشی نسبتاً پایدار و مستمر است به هفت شاخص؛ این مؤلفه یا شاخص‌های اساسی عبارتند از: ایمان به پیشرفت، اعتماد به عقلانیت خودبنیاد، آزادی‌خواهی مبتنی بر اومانیزم، تمایل به اقتصاد لیبرالی، دموکراسی‌خواهی همراه با نقد و نفی سنت.

تجددگرایی و اخلاق در ایران

درباره‌ی اینکه تجدد چگونه و به چه صورت به ایران وارد شده است، اختلافاتی وجود دارد اما در مجموع حضور و ظهور تجدد در ایران تقریباً مورد تأیید تمامی کارشناسان است. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد ایران در سده‌های شانزدهم و هفدهم با شدت گرفتن رقابت استعماری بریتانیا، هلند و پرتغال به منظور تسلط بر خلیج فارس، در کانون توجه قدرت‌های اروپایی قرار گرفته است، اما برخی متفکران اجتماعی دیگر نیز در ایران پذیرفته‌اند در عصر قاجار میرزا عیسی‌قائم‌مقام (پدر قائم‌مقام)، عباس میرزا، قائم‌مقام فراهانی و میرزا تقی‌خان فراهانی (امیرکبیر) مبدعان تفکر مدرن در ایران هستند (علاقبند، ۱۳۸۸، ۱۴). شکست‌های غم‌انگیز ایران از روس و امضای دو معاهده‌ی تحقیرآمیز گلستان (۱۸۱۳)، و ترکمانچای (۱۸۲۸) عباس میرزا و نخبگان ایران را برانگیخت تا در پی یافتن علل واقعی برتری نظامی غرب برآیند و جریان مدرن‌سازی ایران را به راه اندازند. اعزام گروهی از ایرانیان به لندن برای یادگیری علوم نوین و اقداماتی که این گروه در بازگشت به ایران انجام دادند، سرآغاز شکل‌گیری نوسازی در

ایران است (فاضلی، ۱۳۸۹). شیب مدرنیزاسیون در ایام مشروطه و دوره‌ی پهلوی بیشتر شد و به عبارت دیگر مؤلفه‌های مؤثر بر گرایش به تجدد در دوره‌ی پهلوی نسبت به دوره‌ی قاجار از رشد قابل توجهی برخوردار است. رشد جمعیت، رشد میزان شهرنشینی، افزایش رسانه‌ها (مجلات و هفته‌نامه‌ها) تأسیس دانشگاه‌ها و بویژه ارتباط بیشتر با جوامع غربی و... از جمله فعالیت‌هایی است که اگرچه برخی از قبل آغاز شده بوده، اما در این دوره رشد و گسترش کمی و کیفی می‌یابد (فاضلی ۱۳۷۶، ۷۹-۷۲).

تولید کالاهای مصرفی سرمایه‌داری بویژه در شهرها از یک سو و واردات کالاهای صنعتی از سوی دیگر در کشور رونق داد. وقفه‌ای که در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ در روند نوسازی و مصرفی کردن جامعه رخ داده بود، بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تا اصلاحات ارضی دهه‌ی ۱۳۴۰ و بویژه بعد از آن با شدت و حدت بیشتری دنبال شد. به موازات افزایش قیمت نفت در دهه‌ی ۱۹۷۰، صنعتی شدن ایران سرعت گرفت. کالاهای مصرفی، مواد خام، ماشین‌آلات و متخصصان خارجی به ایران روانه شدند. (انتظاری و دیگران، ۱۳۸۶). جمشید بهنام در کتابی با عنوان «برلنی‌ها؛ اندیشمندان ایرانی در برلن ۱۹۳۰ - ۱۹۱۵»، به بررسی آن دسته از اندیشمندان انقلابی دوران مشروطه که در برلن آلمان گرد آمده و با اندیشه‌های تجددخواهانه به انتشار نشریه‌ی ایرانشهر می‌پرداختند و می‌کوشیدند ایرانیان را با تغییر و تحولات دنیای مدرن آشنا سازند پرداخته است. بازگشت این گروه به ایران و نقش آنها در تصمیم‌سازی در ایران قابل ملاحظه بود. برنامه توسعه‌ی شهری و نوسازی در ایران چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن عمدتاً برون‌زا و آمرانه و از بالا بوده است.

اما به لحاظ فرهنگی و نظری در ایران دو رویکرد غالب، یعنی «نظریه‌ی مدرنیته‌ی ناقص» و «نظریه‌ی نوسازی» وجود دارد و «نظریه‌ی مدرنیته بومی» که رهیافتی انسان‌شناختی به مدرن شدن و مدرنیته است، رویکرد سوم است.

بر مبنای نظریه‌ی مدرنیته ناقص، کشورهای مسلمان در طی یک قرن گذشته تلاش‌های زیادی برای نوسازی و مدرن شدن کرده‌اند، اما حاصل کار آن‌ها بسیار اندک بوده و در

نهایت همچنان در همان مرحله‌ی ماقبل مدرن هستند (فاضلی، ۱۳۸۹).
اغلب روشنفکران ایران، نیز معتقدند ایران نیز از جمله کشورهایی است که «در نیمه‌ی راه فرایند مدرنیته مانده‌اند» (جهانگلو ۱۳۷۹: ۱۰)، و «همه چیز گواهی می‌دهد که با وجود ظاهر قضایا، وجدان سنتی هنوز مفهوم مدرنیته را در خود جذب نکرده است» (جهانگلو، ۱۳۷۹: ۲۴).

رهیافت دیگر به مدرنیته، نظریه‌ی معروف به نوسازی یا غربی شدن است گفته می‌شود آنچه در آمریکا و اروپا به نام مدرنیته تحقق یافته است، تنها الگوی ممکن از مدرنیته است، بنابراین تمام جوامع برای رسیدن به توسعه راهی جز پذیرش آنچه غرب تجربه کرده است ندارند.

نظریه‌ی نوسازی به دنبال تحقق مدرنیته در جهان توسعه‌نیافته از قبل ایجاد تغییرات بنیادی بود. «آن چه با عنوان مدرنیته از آن یاد می‌شود، چیزی نیست جز دستاوردهای عمیق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فکری و فرهنگی و... در تمامی حوزه‌های حیات فردی و اجتماعی بشر، این تحولات در حوزه‌ی اجتماعی شامل تحول در تقسیم‌بندی‌های اجتماعی، ایجاد دگرگونی و یا متحول ساختن نظام تقسیم‌بندی اجتماعی رایج است. به تعبیر مارکس از پی تولد مکانیزاسیون و صنعت مدرن سیلی بنیان کن جاری شد که در شدت و گستردگی مثل بهمن بود. همه‌ی مرزها و حدود اخلاقی و طبیعی، سنی و جنسی، روشنایی و تاریکی درهم شکست. سرمایه‌ی پیروزی‌اش را جشن گرفت. تغییر مدرن که از عصر رنسانس و اصلاح آغاز می‌شود، هر دو جهان «واقعی» و «وهمی» را در زمان و مکان لبالب از آدمیان بر زمین مستقر می‌سازد. اکنون می‌پندارند جهان کاذب، گذشته تاریخی است جهانی که ما از دست داده‌ایم (یا در حال از دست دادن آنیم) اما جهان واقعی در جهان فیزیکی و اجتماعی قرار دارد که هم اکنون و هم اینجاست و مال ماست (یا جهانی است که در حال خلق شدن است) (برمن ۱۳۸۶، ۷۸).

براین اساس آنچه زندگی مدرن تعریف می‌شد، نتیجه فرایندهای بی‌شماری بود که همگی از تجربه‌ی زیسته‌ی دنیای غرب نشأت می‌گرفت؛ به تعبیر دیگر؛ زندگی مدرن

محصول فرآیندها و سرچشمه‌های بسیاری است.

مارکسیست‌ها، دوره‌ی کنونی را نه عصر جهانی شدن بلکه حالت جدیدی از امپریالیسم غربی می‌دانند که تحت سلطه‌ی نیازها و مقتضیات تأمین سرمایه در دولت‌های اصلی سرمایه‌داری جهان قرار دارد (هلدو مک گرو، ۱۳۸۲: ۲۲).

«ایوان ایلچ» در مقاله‌ای به نام نیازها به خوبی روشن کرده است که چگونه عصر مدرن امیال انسانی را به نیاز تبدیل کرده است. ایوان ایلچ ضمن نقد طوفانی عصر مدرن می‌نویسد:

«توسعه در عصر جدید میلها را در بشر تبدیل به نیاز می‌کند مدارس بیمارستانها، فرودگاهها، مؤسسات مشاوره‌ای و روانکاوای و رسانه‌ها که با تخریب ضروریات و بازسازی کردن میلها به سمت نیازها به عنوان یک شبکه عمل می‌کنند. زندگی در گذشته محدود به شناخت مشخص بود که تخطی از آنها نیز غیر قابل تصور بود و یک حوزه‌ی ضروریات زندگی کامل معین شده بود (ایلچ، ۲۰۰۷).

بودریار (۱۹۲۹-۲۰۰۷) جامعه‌شناس پست‌مدرن فرانسوی نیز در کتاب «جامعه‌ی مصرفی» (۱۹۷۰) به بحث از اسطوره‌ها و ساختارهای مربوط به مصرف‌گرایی در جامعه‌ی اواخر قرن بیستم فرانسه می‌پردازد و سعی دارد از خلال تحلیل نشانگانی محصولات آرایشی، مواد غذایی، مُد و غیره، «نظام مصرفی» جامعه‌ی مدرن را در امتداد «منطق نشانگانی» حاکم بر وضعیت فرا-واقعیت^۲ دنیای ارتباطات امروزی قرار دهد. از نظر بودریار «جامعه‌ی مصرفی» به-واسطه‌ی اسطوره‌ی خوشبختی مفهوم «نیاز» را به صورتی فرا واقعی خلق می‌کند تا به تبع آن بتواند تشویق افراد به مصرف بیشینه را توجیه نماید. (بودریار، ۱۳۸۹: ۵۸).

مجید رهنما از جامعه‌شناسان پسا توسعه می‌گوید: در جوامع اقتصادزده، بر خلاف جوامع بومی، اغلب نیازشان در جای دیگری و بر اساس معیارهایی که بر آنها ناشناخته و خارج از کنترل آنهاست تعریف و برآورد می‌شود. با گسست جوامع بومی و تضعیف بنیان‌های

1 Illich

2 hyper-reality

آن، ایدئولوژیی شکل گرفت که گویی همه‌ی تخصص‌ها را در نزد خود داشت و دیگران هیچ گزینه و چاره‌ی دیگری نداشتند مگر ایمان راسخ به آن. با ظهور انسان اقتصادی، گفتمان جدیدی حاکم شد که در آن کلید خوشبختی در پول و مصرف نهفته شد و تنها جامعه‌ای که تولید نیاز بیشتر، مصرف بیشتر، تخصص پیشرفت و تلاش بیشتری برای ثروتمند شدن داشت می‌توانست در خود غرور و امنیت ایجاد کند؛ این تخصص در دست کشورهای ثروتمند بود بنابراین همه به منظور دستیابی، به چنین اهدافی باید دنباله‌رو آنان باشند (رهنما، ۱۳۷۲: ۱). رهنما در کتاب «خوانش پساتوسعه» می‌گوید بسیاری از متفکران که در این کتاب درباره‌ی توسعه و پیامدهای آن سخن گفته‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که حقیقتاً توسعه برای مردمی که قرار بود به آنها کمک شود، «هدیه‌ای خطرناک» بود. توسعه با تمام متعلقاتش در محیط طبیعی آنها وارد شد و در همان زمان بیشتر آنچه را که برای آنها معنادار و مایه‌ی دلگرمی آنها بود از آنان ستاند (رهنم و باتری، ۱۹۷۷: ۳۷۹).

تولید بینوایی یا «فقر مدرن»، یکی از پیامدهای توسعه است. این شرایط کاملاً نوین توسط «اقتصادزدگی» جوامع ایجاد می‌شود؛ یعنی وابستگی فزاینده به اقتصاد از طریق افزایش نیازهای القا شده، نیازهایی که برآورده‌سازی آنها برای بخش گسترده‌ای از مردم بیش از پیش اگر نگوئیم دشوار، غیر ممکن است. اقتصاد نوین که چهره‌ی تولیدی دوگانه‌ای دارد (تولید همزمان فراوانی و بینوایی) نوع بشر را به گونه‌ای، به مشارکت در تولید اشکال نوین بینوایی سوق می‌دهد (رهنما، ۱۳۸۵: ۱۳).

از سوی دیگر هابرماس اینچنین استدلال می‌کند که نظام^۱ و ویژگی عقلانی شدن آن بر زیست جهان^۲ و شکل عقلانی شدن متمایز آن غلبه دارد، از منظر هابرماس عقلانی شدن باید به زیست جهان و نظام این اجازه را بدهد که به صورت منفک از هم هرکدام دیگری را ارتقا بخشد نه اینکه هم‌چون زمان حاضر، نظام زیست جهان را از شکل

1 Rahnam & Bawtree

2 System

3 Life World

بیندازد. از فراگرد عقلانیت مورد نظر وبر که نظام قلمرو عقلانیت صوری است و زیست جهان (جهان حیاتی) جایگاه عقلانیت ذاتی است. استعمار جهان حیات بازگوی این نظر وبر است که در جهان نوین، عقلانیت صوری بر عقلانیت ذاتی پیروز شده است و بر آنها تسلط یافته است (ریتزر، ۱۳۸۵: ۷۳۵). این کنش اخلاقی تحت تأثیر فزاینده‌ی این استعمار است و مطلوبیت‌ها به سمت کمی شدن و کالایی و فردی شدن سوق پیدا می‌کند و این موضوع با اساس رفتار اخلاقی و نوع‌دوستی در تضاد است.

همچنین تفکر اومانستی^۱ عصر مدرن نیز نگاه و رویکردی جدید به بشر بخشیده است؛ اومانسیم، سیستم هم‌آهنگ و مشخص فکری و نظامی اعتقادی است (مانفسنی^۲، ۱۹۹۸: ۵۳۰).

اومانسیم، با تمام نظریه‌های جبرگرا، تقدیرگرا و معتقد به سرنوشت در تضاد است. اومانسیم به انسانی باور دارد که از گذشته تا کنون رشد کرده، دارای آزادی و حق انتخاب است و در یک محدوده‌ی مشخص، می‌تواند تعیین‌کننده‌ی سرنوشت خودش باشد (لامنت^۳، ۱۹۷۷: ۱۴).

آربلاستر می‌گوید: براساس اومانسیم، اراده و خواست بشر، ارزش‌های اصلی بلکه منبع ارزش‌گذاری محسوب شده و ارزش‌های دینی که در عالم اعلا تعیین می‌شوند، تا سر حد اراده‌ی انسانی سقوط می‌کنند (آربلاستر، ۱۳۷۷: ۱۴۰).

پس هیچ ارزش و معیار کامل و مطلق اخلاقی، مستقل از گزینش انسان، به طور فردی یا اجتماعی، وجود ندارد و ارزش‌ها متکثر و نسبی هستند؛ به عبارت دیگر تمام منابع اساسی حجیت معرفتی برای رفتار و باروهای اخلاقی زیر سؤال رفت و ریشه‌های معرفتی اخلاق دچار سستی شد.

اندیشه‌ی حداکثر کردن نفع فردی براساس رویکرد لیبرالیستی حاکم بر اساس عقلانیت "خود بنیاد" که در متن تجددگرایی وجود دارد، یک گزاره‌ی نهایی در پی دارد «هر

1 Humanism

2 Monfasani

3 Lamont

شخصی در پی حداکثر کردن تابع فایده‌ی خویش است،» این گزاره خود را حتی در مبانی اصول اولیه علم اقتصاد معاصر قرار داده است به شکلی که در متون اقتصادی معمولی، چنین تصور می‌شود که هر شخص در پی حداکثر کردن تابع فایده‌ی خویش است، که تنها به میزان مصرف خود او بستگی دارد و تمام گزینش‌های او را تعیین می‌نماید. این ساختار پیچیده‌ی رفتار معطوف به نفع شخصی، دارای سه ویژگی مجزا- و اساساً مستقل- است. بنابراین براساس دیدگاه نوسازی تجددگرایی، دایره‌ی مطلوبیت‌ها را به مطلوبیت ناشی از مصرف کالا و خدمات کاهش داده است و سایر مطلوبیت‌های ناشی از همراهی و همدردی و... را به حاشیه رانده است و بر این اساس، مطلوبیت کنش اخلاقی مبتنی بر نوع‌دوستی و توجه به نیاز دیگری به حاشیه خواهد رفت.

«دانیل بل» در کتاب «تناقضات فرهنگی سرمایه‌داری» استدلال می‌کند که حضور نیروهای مدرنیسم باعث رها شدن انگیزه‌های لذا پرستانه‌ای می‌شود که مغایر با انضباط زندگی شغلی و حرفه‌ای در جامعه بوده و با آن سر ناسازگاری دارند و انگهی فرهنگ مدرنیستی در کل با مبنای اخلاقی شیوه‌ی زندگی هدفمند و عقلانی ناسازگار است (هابرماس، ۱۳۹۱: ۱۰۳). بنابراین در مجموع می‌توان گفت در دیدگاه نوسازی نوع‌دوستی و فعالیت‌های انسان‌دوستانه‌ی شهری رو به افول گذاشته است. اما در دیدگاه «مدرنیته‌ی بومی» هر جامعه‌ای متناسب وضعیت خاص خود، فرایندی منحصر به خود از مدرن شدن را طی می‌کند؛ فرایندی که ممکن است با جوامع مشابه خود وجوهی مشترک و با جوامع دیگر اشتراکات کمتری داشته باشد اما در هر صورت، کلیت مدرنیته‌ی هر جامعه‌ای منحصر به فرد است بنابراین فرایند مدرن شدن همواره در ماهیت خود نوعی انطباق با بومی‌سازی مداوم همراه است (فاضلی، ۱۳۸۹).

مدرن شدن از منظر انسان‌شناسی نوعی فرایند کسب آگاهی، بازشناسی و ارزیابی انتقادی مداوم از خود به منظور ایجاد بهترین الگوی تطابق با مجموع شرایط محیطی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی است. در این دیدگاه هر جامعه‌ای متناسب وضعیت خاص خود، فرایندی منحصر به خود از مدرن شدن را طی می‌کند؛ فرایندی که ممکن است با جوامع

مشابه خود وجوهی مشترک، و با جوامع دیگر اشتراکات کمتری داشته باشد، اما در هر صورت، کلیت مدرنیته هر جامعه‌ای منحصر به فرد است. بنابر این فرایند مدرن شدن همواره در ماهیت خود نوعی انطباق با بومی سازی مداوم همراه است (فاضلی، ۱۳۸۷). از این رو، همانطور که جیمز کلیفورد اشاره می‌کند، هر جامعه‌ای ناگزیر است برای رسیدن به مدرنیته تفاوت آن را با دیگر مدرنیته‌ها ابداع و بازشناسی کند (۱۹۸۸: ۱۵ به نقل از فاضلی ۱۳۸۷).

از این منظر میزان کامیابی جوامع در فرایند مدرنیته، تابع میزان آگاهی انتقادی آنها از امکانات، متن اجتماعی خود و به طور خلاصه آنچه سازنده‌ی هستی فرهنگی آنها به منزله‌ی وجودی متفاوت با دیگران، می‌باشد، است.

تفاوت این دیدگاه با دیگر تئوری‌های مدرنیته در دو نکته‌ی اساسی نهفته است: نخست آنکه در تئوری‌های جامعه‌شناختی و فلسفی، مدرن بودن مستلزم نفی و انکار سنت یا تقابل و تضاد ماهوی سنتی و مدرن است؛ در نتیجه‌ی این تقابل و تضاد، فصل تمایز مدرنیته می‌شود در حالی که رویکرد انسان‌شناختی مدرنیته‌ی بومی، به جای تقابل و تضاد، تعامل و همبستگی درونی میان این دو را مبنای دستیابی مدرن شدن می‌شناسد، زیرا مدرن شدن در این منظر اساساً نوعی تطابق تازه و مداوم با سنت است؛ تطابقی که با ایجاد تغییر در فرم یا محتوا سنت را روزآمد و کارآمد می‌کند، نه آنکه در حرکتی شتابان انقطاع یا گسست همیشگی تاریخی به وجود آورد.

تفاوت دوم به تلقی مدرنیته به منزله‌ی امری مختلف و متکثر در نگاه انسان‌شناختی مربوط می‌شود. همانطور که ذکر شد اغلب مدرنیته را صرفاً پدیده‌ای یکتا و یگانه که فقط در غرب تحقق یافته است تلقی می‌کنند؛ گفته می‌شود که در واقعیت تجربی جهان ما با "مدرنیته‌ها" مواجه هستیم نه یک الگوی جهانی و فراگیر از آن؛ بنابراین می‌توان مدرنیته‌های ایرانی، آفریقایی، عربی، آمریکای لاتینی و آسیایی را در کنار مدرنیته‌ی اروپایی، اشکال متفاوتی از مدرنیته دانست (فاضلی، ۱۳۸۷).

در پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان که در دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ

و ارشاد اسلامی توسط حسین گودرزی در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ اجرا شده، موضوع سنت اخلاق و خانواده دارای جایگاه ویژه‌ای در میان ایرانیان است بنابراین می‌توان از یافته‌های آنها به نوعی مدرنیته‌ی بومی اشاره داشت که براساس دیدگاه مدرنیته‌ی بومی در ایران می‌توان از تلفیق تجددگرایی با ریشه‌های ملی و دینی در ایران سخن گفت که نوع دیگری از مدرنیته و اخلاق را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. بنابراین در مجموع می‌توان دو فرضیه‌ی اصلی را برای آزمون طرح کرد:

الف- ویژگیهای رفتار شهروندی در شهر مشهد تحت تأثیر تجددگرایی (مدرنیسم)، مطابق با نظریه‌ی نوسازی، منجر به تضعیف رفتار نوع‌دوستانه و انسان‌دوستانه در رفتار شهروندان می‌شود.

ب- ویژگیهای رفتار شهروندی در شهر مشهد تحت تأثیر تجددگرایی (مدرنیسم)، مطابق نظریه‌ی مدرنیته‌ی بومی، در تلفیق با فرهنگ ایران به گونه‌ای متفاوت از مدل نوسازی تبدیل شده است؛ بر این اساس بر رفتار نوع‌دوستانه و انسان‌دوستانه در رفتار شهروندان تأثیری نداشته است.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش پیمایش برای ساماندهی یافته‌های پژوهش استفاده شده است؛ واحد تحلیل در آن فرد است یعنی کلیه‌ی افرادی که پرسشنامه را تکمیل کرده‌اند. روش جمع‌آوری داده‌ها با توجه به ویژگیهای متفاوت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در مناطق مختلف شهر مشهد، می‌توان گفت ویژگیهای اخلاقی متفاوتی در این مناطق دیده می‌شود و به عبارتی واریانس بین گروهی بالاست بنابراین از نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده و متناسب با جمعیت هر بخش استفاده شده است، بدین گونه که در هر منطقه‌ی شهری از شهر، مشهد متناسب با جمعیتش، تعداد مشخصی پرسشنامه به صورت تصادفی در بین جوانان پخش و اطلاعات جمع‌آوری شد. این کار توسط یک گروه حرفه‌ای و متخصص در گردآوری اطلاعات علوم انسانی در مشهد انجام شده است.

حجم جامعه‌ی آماری بر اساس محاسبات به دست آمده از فرمول کوکران به دست آمده

است؛ براین اساس و با توجه به تحقیق پیشین درباره‌ی تجددگرایی در شهر مشهد، واریانس برآورد شده برای تجددگرایی معادل $s^2 = 0/632$ (حیدری، ۱۳۸۸) است و

$$n = \frac{\frac{t^2 \cdot s^2}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 \cdot s^2}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{2.4278}{0/01}}{1 + \frac{1}{929560} (242 - 1)} = \frac{242.78}{1 + 0.00025} = 243$$

فاصله‌ی اطمینان نیز $d = 0/1$ و سطح اطمینان ۹۵٪ در نظر گرفته شد. بر این اساس میزان

t نیز تا ۰/۰۵ خطا قابل قبول ۱/۹۶ است.

برای اطمینان بیشتر و با توجه به احتمال حذف برخی پرسشنامه‌ها، حجم نمونه برابر با ۲۷۰ نفر خواهد بود.

در بخش تعریف عملیاتی، متغیرها براساس مطالب بخش تعریف مفاهیم و همچنین تعریف آلپورت از گرایش، متغیر تجددگرایی براساس هفت شاخص و متغیر ایمان به پیشرفت، اعتماد به عقلانیت خودبنیاد، آزادی‌خواهی مبتنی بر اومانیزم، تمایل به اقتصاد لیبرالی، دموکراسی‌خواهی و همراه با نقد و نفی سنت سنجیده شده است که هر کدام از آنها نیز در سه بعد شناختی، احساسی و رفتاری مورد سنجش قرار گرفته است. همچنین متغیر نوع‌دوستی براساس تعریف دورکیم از اخلاق و آلپورت (۱۹۳۵) از گرایش در در سه بعد شناختی، احساسی و رفتاری مورد سنجش قرار گرفته است و سؤالاتی مستقل برای فاعلیت و عضویت در گروهها و انجمنهای انسان‌دوستانه و خیریه طراحی شده است.

براساس طیف بوگاردوس یا طیف فاصله‌ی اجتماعی، میزان تحمل و همراهی با سایر اقوام مورد سنجش قرار گرفته است. براساس یافته‌های اکتشافی در شهر مشهد، قدرت و میزان تحمل و تساهل این گروهها با همسایگان براساس ویژگیهای قومی مورد سنجش قرار گرفت؛ این گروهها عبارت بودند از اهالی جنوب خراسان، اهالی شمال خراسان،

ترک‌زبانان، لری‌زبانان، افغانها، عربها و بلوچ‌ها. در ادامه با مشورت استادان راهنما و مشاور و صاحب‌نظران و همچنین استفاده از پژوهش‌های پیشین در این باره سعی در تأمین اعتبار برای معرف‌ها و ابزار سنجش انتخاب شده، گردیده است. برای طراحی پرسشنامه از پیمایش ارزشهای جهانی و چندین تحقیق درباره‌ی سنجش ویژگیهای اخلاقی و از آلفای کرونباخ^۱ برای بررسی قابلیت اعتماد سازه‌ها استفاده شده است. براساس یافته‌های به دست آمده، از ۲۴ پرسشنامه برای پیش‌آزمون آزمایشی از پرسشنامه‌ی آلفای کرونباخ به میزان ۰/۶۲ بدست آمد که با اصلاح پرسشنامه و اصلاح پرسش‌هایی که پایایی را افزایش می‌داد این رقم به میزان ۰/۶۸ افزایش یافت و به عنوان پرسشنامه‌ی نهایی مورد تأیید قرار گرفت. اغلب منابع درباره‌ی مقدار مطلوب برای ضریب آلفا، به نوشته نونالی استناد شده است (نونالی، ۱۹۷۸). بر اساس استدلال وی، برای پایا قلمداد کردن یک ابزار، حداقل مقدار ۰/۷ برای ضریب آلفا لازم است، بنابراین می‌توان ابزار طرح شده را بر اساس شیوه‌ی هماهنگی درونی گویه‌ها، پایا قلمداد کرد. در هر حال باید توجه داشت که ملاک کمی را نمی‌توان دلیل کافی برای پایایی ابزار تلقی کرد و تحلیل کیفی گویه‌ها بر اساس گفتگوهای تخصصی در رابطه با سازه مورد نظر از اهمیت بالایی برخوردار است. در اینجا چنین توجه و دقتی توسط گروه پژوهشی صورت گرفته است.

یافته‌ها و نتایج

متغیر تجددگرایی

در پاسخ به سؤال توصیفی، یافته‌های پژوهش در بخش تجددگرایی در میان شهروندان جوان شهر مشهد نشان می‌دهد تجددگرایی تمرکز بیشتری در میانه و کم دارد. براساس تحلیل کلاستر بر ابعاد مختلف تجددگرایی و همچنین جمع نمره، افراد به سه گروه تقسیم شدند که گروه‌های سه‌گانه گرایش به تجدد را شکل داده است؛ بر این اساس

1 Cronbach's Alpha

2 Nunally

حدود ۴۳٪ جوانان ۲۰ تا ۳۵ سال مشهد دارای گرایش کمی به تجدد در ابعاد مختلف آن هستند، همچنین حدود ۴۴٪ افراد نیز دارای گرایشی متوسط هستند و گرایش زیاد به تجدد شامل ۱۳٪ افراد است.

جدول شماره‌ی ۱: توصیف تجددگرایی

متغیر	میزان	فراوانی	درصدی	تجمعی - درصدی
تجددگرایی	کم	۱۱۷	٪۴۳	٪۴۳
	متوسط	۱۲۱	٪۴۴	٪۸۷
	زیاد	۳۵	٪۱۳	٪۱۰۰
	جمع	۲۷۳	٪۱۰۰	

برای اینکه در بخش تحلیل نهایی به نگاه جامع‌تری برسیم، از عامل‌های به دست آمده از تحلیل عاملی استفاده می‌کنیم؛ براساس تحلیل عاملی انجام شده ۸ متغیر تجددگرایی در نهایت به سه عامل تقلیل یافته است؛ این سه عامل را عامل سیاسی، عامل فکری - فرهنگی و عامل اقتصادی - رفاهی نامیدیم.

جدول شماره‌ی ۲: تحلیل عاملی

عامل			متغیرها
عامل سیاسی	عامل فرهنگی - فکری	عامل اقتصاد - رفاهی	
-۰.۲۰۴	۰.۷۹۰	-۰.۰۵۷	نقد ونفی سنت
۰.۳۶۴	۰.۵۶۷	-۰.۱۴۹	آزادی‌خواهی
۰.۸۴۳	۰.۰۲۶	۰.۲۰۶	دموکراسی
۰.۰۸۱	۰.۴۷۶	۰.۴۱۸	عقلانیت خود بنیاد
۰.۱۳۱	-۰.۱۲۳	۰.۶۸۴	اصالت پیشرفت
-۰.۵۱۲	۰.۱۲۶	۰.۵۶۴	اقتصاد لیبرالی
۰.۰۳۱	۰.۴۱۳	۰.۴۵۵	احساس عقب‌ماندگی
۰.۰۲۱	۰.۰۰۸	۰.۷۳۶	اومانیسیم

همچنین یافته‌های بعد شناختی تجددگرایی در میان جوانان شهر مشهد نشان می‌دهد که میانگین نظر پاسخگویان در یک طیف ۵ نمره‌ای از مخالف زیاد (۱) تا موافقت زیاد (۵) با مؤلفه‌های تجددگرایی اعدادی بین ۲.۷ تا ۴.۳ دارند. آزادی، دموکراسی و عقلانیت بیشترین نمرات را کسب کرده‌اند و اقتصاد لیبرالی و اصالت پیشرفت و احساس عقب‌افتادگی کمترین نمره را داشته‌اند. یافته‌های بعد رفتاری تجددگرایی نشان می‌دهد که میانگین نظر پاسخگویان در یک طیف ۵ نمره‌ای از همیشه (۵) تا هیچوقت (۱) با مؤلفه‌های تجددگرایی اعدادی بین ۲.۵ تا ۴.۵ دارند. پیشرفت، اقتصاد لیبرالی و اومانیزم بیشترین نمرات را کسب کرده‌اند و نقد سنت و احساس عقب‌افتادگی کمترین نمره را داشته‌اند.

براساس یافته‌های به دست آمده از تحلیل عاملی و میانگین نمرات شاخص تجددگرایی مشخص شد که وجه فرهنگی و سیاسی تجددگرایی بر بعد اقتصادی آن پیشی دارد و این نظریه که در جامعه‌ی ایرانی تحولات و خواسته‌های سیاسی و فرهنگی، سریعتر از وجه اقتصادی است، در این پژوهش درباره‌ی جوانان شهر مشهد نمایان شده است؛ به عبارت دیگر از این یافته‌ها می‌توان استنباط کرد که جوانان مشهدی التفات بیشتری به وجه دموکراسی و آزادی‌خواهی دارند تا وجه اقتصاد جامعه‌ی مدرن و اقتصاد لیبرالی و اصالت پیشرفت و احساس عقب‌افتادگی کمترین نمره را داشته‌اند. در بعد رفتاری گرایش کمتری به آزادی‌خواهی نقد سنت و دموکراسی دارند و میزان گرایش به بعد شناختی تجدد بیشتر از سایر ابعاد است؛ به عبارت دیگر افراد بیش از آنکه دارای رفتاری متجدد باشند؛ دارای باورهایی متجددانه‌ای هستند.

متغیر نوع‌دوستی - عمومی

یافته‌های بعد شناختی نوع‌دوستی نشان می‌دهد که میانگین نظر پاسخگویان در یک طیف ۵ نمره‌ای از خیلی موافقم (۵) تا خیلی موافقم (۱) عدد ۳/۵۷ به دست آمده و واریانس آن ۱/۳۱۲ است و نما موافقت است. یافته‌های بعد احساسی نشان می‌دهد که میانگین نظر پاسخگویان در یک طیف ۵ نمره‌ای از خیلی می‌پسندم (۵) تا اصلاً نمی‌پسندم (۱)

عدد ۲/۳۸ و واریانس آن ۱/۲۶۶ است و نما نمی‌پسندم است. یافته‌های بعد رفتاری نشان می‌دهد که میانگین نظر پاسخگویان در یک طیف ۵ نمره‌ای از همیشه (۵) تا هیچوقت (۱) عدد ۲/۷۴ و واریانس ۱/۴۸۷ است و نما گاهی اوقات است. یافته‌ها نشان می‌دهد از نظر ویژگی نوع دوستی در بخش عمومی، نمره‌ی متوسطی را می‌توان به جوانان شهر مشهد داد. همچنین ابعاد رفتاری و احساسی نوع‌دوستانه، ضعیف‌تر از بُعد شناختی آن است. همچنین پراکندگی رفتار نوع‌دوستانه در میان جوانان شهر مشهد بیشتر در بعد رفتاری است.

جدول شماره‌ی ۳: توصیف نوع دوستی

بعد رفتاری	بعد احساسی	بعد شناختی	
۲۷۳	۲۷۳	۲۷۳	فراوانی
۲/۷۴	۲/۳۸	۳/۵۷	میانگین
۰/۰۷۴	۰/۰۶۸	۰/۰۶۹	انحراف استاندارد میانگین
۳	۲	۴	نما
۱/۴۸۷	۱/۲۶۶	۱/۳۱۲	واریانس

متغیر میزان نوع دوستی - روابط با همسایگان

متغیر میزان نوع دوستی سایر اقوام به عنوان یکی از مؤلفه‌های نظام اخلاقی مورد سنجش قرار گرفت؛ بر این اساس ۲۷۳ پاسخگو ۸ گویه‌ی مختلف آن را پاسخ گفتند. نمره این متغیر از جمع اعداد به دست آمده از ۸ گویه مختلف به دست آمده، در هر گویه، عدد یک کد گزینه «نمی‌پسندم همسایه من باشند»، عدد ۲ کد «فرقی ندارد»، کد ۳ کد «می‌پسندم همسایه‌ی من باشد» منظور شده است. اقوام نیز اهالی شمال خراسان، اهالی جنوب خراسان، ترک، لر، اعراب، افغانها، بلوچها و سایر در نظر گرفته شده‌اند. بر این اساس بیشترین تحمل و نوع دوستی نسبت به اهالی جنوب خراسان و پس از آنها اهالی شمال خراسان، ترک‌زبانان، لرزبانان، بلوچها، افغانها و در نهایت عربها بودند.

این یافته را وقتی در مقابل سایر اطلاعات به دست آمده در بخش ابعاد مختلف ویژگیهای اخلاقی بویژه نوع‌دوستی قرار می‌گیرد نشان می‌دهد که به غیر از گرایش‌های خویشاوندی در نوع‌دوستی، گرایشهای قومی و زبانی نیز در میان جوانان شهر مشهد وجود دارد. نمره‌ی کمتر از ۲ به سه گروه افغانها، عربها و بلوچها نشان می‌دهد که جوانان شهر مشهد به لحاظ نوع‌دوستی حتی تحمل افراد را به عنوان همسایه ندارند و میزان این ویژگی اخلاقی در مقابل این گروهها دارای ضعف‌های جدی است.

جدول شماره‌ی ۴: توصیف میزان نوع‌دوستی سایر اقوام

واریانس	میانگین	بیشینه	کمینه	فراوانی	نوع‌دوستی سایر اقوام
۱۴/۹۳۰	۱۵/۶۱	۲۴	۸	۲۷۳	

جدول شماره‌ی ۵: میانگین نوع‌دوستی با سایر اقوام

واریانس	میانگین	
۰/۵۲۲	۲/۴۱	اهالی جنوب خراسان
۰/۶۰۴	۲/۳۱	اهالی شمال خراسان
۰/۵۶۳	۲/۲۱	ترک زبانان
۰/۹۸۵	۲/۵۱	لر زبانان
۰/۵۸۵	۱/۷۴	افغانها
۰/۵۰۶	۱/۵۴	عربها
۰/۵۵۴	۱/۷۸	بلوچها
	۲۷۳	پاسخگویان

متغیر عضویت و فعالیت در نهادهای خیرخواهانه و انسان‌دوستانه

متغیر عضویت و فعالیت خیرخواهانه و انسان‌دوستانه به عنوان یکی از مؤلفه‌های رفتار شهروندی مورد سنجش قرار گرفت؛ براین اساس ۲۶۶ پاسخگو این گویه را پاسخ گفتند که

نما در آن نه عضویت و نه فعالیت است. از این تعداد ۴۴ نفر عضویت، ۵۷ نفر تاحدودی فعالیت دارم و ۵ نفر فعالیت زیادی دارم را انتخاب کرده‌اند، تعداد ۱۶۰ نفر نیز گزینه‌ی نه عضویت و نه فعالیت را انتخاب کرده‌اند، به عبارتی حدود ۴۰ درصد جامعه در این رابطه فعالیت دارند.

این یافته نشان می‌دهد که رفتار نهادی فعالیت‌های نوع‌دوستانه و خیریه از ضعف جدی در میان جوانان شهر مشهد برخوردار است و تنها حدود ۲۳٪ افراد به صورت سازماندهی شده فعالیت دارند؛ این رقم وقتی که به فعالیت زیاد اشاره دارد به ۲٪ نزدیک می‌شود. حدود ۵۹٪ آنها هیچ‌گونه ارتباطی با این سازمانها ندارد که آن را می‌توان به نوعی بحران اخلاق در بخش نهادی و سازماندهی شده‌ی آن تعبیر کرد و این موضوع نشان می‌دهد نه سازمانهای سنتی خیریه که در سالهای دور در شهر مشهد سابقه‌ی فعالیت‌های جدی داشته و نه سازمانهای جدید مانند بهزیستی کمیته‌ها انتقال خون و... هیچکدام دارای ارتباط مناسبی با جوانان شهر نیست.

جدول شماره‌ی ۶: توصیف عضویت و فعالیت در نهادهای خیرخواهانه و انسان‌دوستانه

درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۱۶/۵	۱۶/۵	۱۶/۱	۴۴	عضویت دارم
۳۸/۰	۲۱/۴	۲۰/۹	۵۷	تا حدودی فعالیت دارم
۳۹/۸	۱/۹	۱/۸	۵	فعالیت زیادی دارم
۱۰۰/۰	۶۰/۲	۵۸/۶	۱۶۰	نه عضویت دارم نه فعالیت
	۱۰۰/۰	۹۷/۴	۲۶۶	جمع
		۲/۶	۷	بدون پاسخ
		۱۰۰/۰	۲۷۳	کل

یافته‌های تحلیلی

یافته‌ها در بخش تحلیل نشان می‌دهد آزمون همبستگی میان مؤلفه‌های مختلف

تجددگرایی و نوع‌دوستی در بخش عمومی نشان می‌شد ۵ مؤلفه از ۸ مؤلفه‌ی تجددگرایی با نوع‌دوستی رابطه‌ی معناداری دارند. این ۵ مؤلفه عبارتند از عقلانیت خودبنیاد، اصالت پیشرفت، اقتصاد لیبرالی، احساس عقب‌ماندگی و اومانیسیم است به عبارتی دیگر با افزایش میزان تجددگرایی در مؤلفه‌هایی یاد شده نوع‌دوستی در ابعاد مختلف آن به صورت معناداری افزایش می‌یابد.

همچنین در مجموع نیز متغیر تجددگرایی با متغیر نوع‌دوستی دارای رابطه‌ی معنادار مثبت است به عبارتی دیگر با افزایش میزان تجددگرایی در جوانان شهر مشهد میزان نوع‌دوستی نیز افزایش می‌یابد.

جدول شماره‌ی ۷: آزمون همبستگی میان نوع‌دوستی و مؤلفه‌های تجددگرایی

نوع‌دوستی		
۱۱۲.	ضریب همبستگی	آزادی‌خواهی
۰۶۵.	Sig. (2-tailed)	
۰۴۶.	ضریب همبستگی	دموکراسی
۴۵۳.	Sig. (2-tailed)	
**۲۱۴.	ضریب همبستگی	عقلانیت خود بنیاد
۰۰۰.	Sig. (2-tailed)	
۰۱۳.	ضریب همبستگی	نقد و نفی سنت
۸۲۵.	Sig. (2-tailed)	
**۱۷۰.	ضریب همبستگی	اصالت پیشرفت
۰۰۵.	Sig. (2-tailed)	
**۳۱۸.	ضریب همبستگی	اقتصاد لیبرالی
۰۰۰.	Sig. (2-tailed)	
*۱۲۵.	ضریب همبستگی	احساس عقب‌ماندگی
۰۴۰.	Sig. (2-tailed)	
*۱۲۹.	ضریب همبستگی	اومانیسیم

۰.۳۳.	Sig. (2-tailed)	
۲۷۳	فراوانی	
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed)		
*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).		

جدول شماره‌ی ۸: آزمون همبستگی میان نوع دوستی و تجددگرایی

تجددگرایی		
.302**	ضریب همبستگی	نوع دوستی
.000	Sig. (2-tailed)	
273	N	
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).		

همچنین میان عضویت و فعالیت در سازمانهای خیریه و انسان‌دوستانه رابطه‌ای با تجددگرایی پیدا نشد البته براساس یافته‌های توصیفی میزان فعالیت جوانان شهر مشهد در این سازمانها بسیار کم است و برخلاف تکرر این مجموعه‌های فعالیت، اغلب جوانان به صورت نهادی در مجموعه‌های انسان‌دوستانه بسیار ضعیف است. همچنین رابطه‌ی معناداری میان تجددگرایی و نوع دوستی با همسایگان یافته نشد.

جدول شماره‌ی ۹: آزمون همبستگی میان تجددگرایی با عضویت و فعالیت در سازمانهای خیریه و انسان‌دوستانه

عضویت و فعالیت در خیریه‌ها	تجددگرایی		
۰/۰۱۸	۱	ضریب همبستگی	تجددگرایی
۰/۷۹۳		سطح معناداری	
۲۰۴	۲۷۳	تعداد	

جدول شماره ۱۰: آزمون همبستگی میان تجددگرایی با نوع‌دوستی با همسایگان

نوع‌دوستی با همسایگان	تجددگرایی		
-۰/۰۳۸	۱	ضریب همبستگی	تجددگرایی
۰/۵۲۹		سطح معناداری	
۲۷۳	۲۷۳	تعداد	

نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده را می‌توان در دو بخش خلاصه کرد بخش اول که پاسخ به دو سؤال توصیفی تحقیق است و بخش دوم به سؤال آخر که سؤالی تبیینی است.

در بخش توصیفی میزان تجددگرایی در سطح متوسطی قرار دارد؛ یافته‌ها نشان می‌دهند که آنچه در بخش باورهای بعدشناختی تجدد در بین جوانان شهر مشهد مطرح است، توجه ویژه به مسأله‌ی آزادی و دموکراسی و عقلانیت است. از سویی دیگر مولفه نظام اقتصادی مدرن همان اقتصاد لیبرالی و مطالبه‌ی پیشرفت است جایگاه ضعیف‌تری در گرایش به تجدد دارند آنچه این موضوع را مهمتر می‌کند یکی از موضوعات مهم سهم هریک از مؤلفه‌ی یاد شده در تفکر جوانان شهر مشهد است؛ این موضوع خود سابقه‌ی طولانی در مباحث نظری توسعه و تجدد داشته است.

در باب تعریف و اولویت توسعه‌ی سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی سخن بسیار گفته شده است؛ اما یافته‌ها نشان می‌دهد راه تجدد در جوانان شهر مشهد در بعد شناختی بیش از آنکه اقتصادی و رفاهی باشد فرهنگی و سیاسی است و آنچه در ذهن جوانان این شهر می‌گذرد تمرکز فرهنگی و سیاسی است تا اقتصادی؛ به عبارتی مولفه‌های شناختی جوانان شهر مشهد فرهنگی - سیاسی است تا اقتصادی و این نکته‌ی بسیار مهمی در شناخت جامعه‌ی ایران در طی سده‌ی اخیر بوده است؛ موضوعی که گاه مورد انتقاد برخی طرفداران تقدم توسعه‌ی اقتصادی بر سیاسی بوده است. آنها معتقد بوده‌اند که عدم توجه به توسعه‌ی اقتصادی، از عوامل مهم عدم توسعه است اما از سویی دیگر گروهی

دیگر معتقدند که فرهنگ به عنوان زیربنا اولویت دارد و همچنین برخی به مسأله‌ی دموکراسی به عنوان گام اول توسعه اشاره کرده‌اند.

در میان سایر یافته‌ها، اعتقاد به اصالت پیشرفت و اعتقاد به اینکه وضعیت انسان در عصر جدید روز به روز بدتر می‌شود نیز از مطالب جالب به دست آمده بود اینکه اصولاً جوانان شهر مشهد، وضعیت انسانها در عصر جدید را بیشتر رو به نزول می‌بیند که نشان می‌دهد آنها چشم‌انداز روشن و مثبتی از آینده‌ی بشر ندارند و این تصور همراه با ناامیدی تأثیر خود را در بعد احساسی و رفتاری نشان خواهد داد.

مسأله‌ی اومانیسم از مؤلفه‌هایی بود که نشان می‌دهد میل شناختی به فردیت و به خدمت درآوردن امکانات زندگی برای انسان به عنوان موضوع مهمی در تفکر تجددگرایان درآمده است؛ به عبارت دیگر اینکه امور باید به نحوی در خدمت انسان قرار گیرند. نمره‌ی نسبتاً بالایی را به دست آورده و گزینه‌ی موافقم به عنوان نما انتخاب شده است. این یافته نشان می‌دهد نسل جدید میل زیادی به بهره‌جویی و کامیابی از زندگی دنیایی دارد.

از یافته‌های مهم دیگر میزان بالای واریانس احساس عقب‌ماندگی است؛ این اختلاف عقیده نشان می‌دهد در میان جوانان شهر مشهد موضوع وضعیت توسعه‌یافتگی شهر مشهد، موضوع مناقشه‌برانگیزی است و عقاید بر اساس آن متنوع و مختلف است و نسبت به سایر مؤلفه‌های تجدد محل اختلاف بیشتری است و جامعه در این بخش حالت دو قطبی دارد.

در میان مؤلفه‌های تجددگرایی نقد و نفی سنت کمترین میانگین را داراست. در تحلیل مؤلفه‌ی نقد سنت می‌توان گفت که در حالی که بخشی از جوانان میل شدیدی به آزادی و دموکراسی دارند اما ریشه‌ها و پیوندهای مهمی با سنت‌های جامعه دارند و هنوز به لحاظ اعتقادی به سنت‌های اجتماعی باور جدی دارند بنابراین معتقدند که هنوز هم می‌توان از روش‌های گذشتگان در سامان دادن به زندگی استفاده کرد و سبک زندگی آنها کهنه و قدیمی نشده است.

در مجموع می‌توان گفت بعد شناختی تجددگرایی در بین نسل جدید شهر مشهد دارای مؤلفه‌های متنوعی است و طرح یکدست و یکپارچه‌ای از گرایش‌ها وجود ندارد یعنی در حالی که دموکراسی، آزادی و عقلانیت اهمیت زیادی برای آنها دارد اما سنت‌ها برای آنها هنوز ارزشمند و بعد اقتصادی و رفاهی تجدد کمتر مورد توجه است، به گونه‌ای که تمرکز آنها بیشتر در وجه سیاسی و فرهنگی زندگی جدید است و مدل‌های توسعه‌ی اقتصاد لیبرالی موضوعی کم اهمیت در میان آنهاست.

در بعد نوع‌دوستی یافته‌ها نشان‌های خوبی از وضعیت اخلاقی جامعه نمی‌دهد یافته نشان می‌دهد که رفتار نهادی فعالیت‌های نوع‌دوستانه و خیریه از ضعف جدی در میان جوانان شهر مشهد برخوردار است و تنها حدود ۲۳٪ افراد به صورت سازماندهی شده فعالیت دارند. این رقم وقتی که فعالیت زیاد اشاره دارد به رقم حدود ۲٪ نزدیک می‌شود. حدود ۵۹٪ آنها هیچ‌گونه ارتباطی با این سازمانها ندارد که آن را می‌توان به نوعی بحران اخلاق در بخش نهادی و سازماندهی شده آن تعبیر کرد؛ این موضوع نشان می‌دهد نه سازمانهای سنتی خیریه که در سالهای دور در شهر مشهد سابقه‌ی فعالیت‌های جدی داشته و نه سازمانهای جدید مانند بهزیستی، کمیته‌های انتقال خون و... هیچکدام دارای ارتباط مناسبی با جوانان شهر نیست. همچنین در مورد تساهل با همسایگان و سایر اقوام، یافته‌ها نشان می‌دهد در شهر مشهد از نظر نوع‌دوستی کسی حتی تحمل افراد را به عنوان همسایه ندارد و میزان این ویژگی اخلاقی در مقابل این گروهها دارای ضعف‌های جدی است اما باین حال در رابطه‌ی میان تجددگرایی و ویژگیهای اخلاقی، یافته‌ها فرضیه‌ی اول را رد می‌کنند که نشان می‌دهد تجددگرایی توانسته است به لحاظ اخلاقی نسلی پیراسته‌تر را ایجاد کند و افراد با تلفیق اندیشه‌های بومی و غیر بومی نسلی اخلاقی‌تر ایجاد کرده‌اند.

نتایج به دست آمده در وهله‌ی اول کمی غیر منتظره است زیرا آنچه در ادبیات غالب نظریه‌های انتقادی از پساساختارگرایی و پساتوسعه وجود دارد، آثار مخرب اخلاقی اندیشه‌ها و زندگی مدرن است. این نتایج نشان می‌دهد این دیدگاه نوسازی‌ها حداقل

در ایران وجه کمتری دارد و برای تحلیل آنها نیازمند پشتوانه‌های نظری دیگری هستیم. بنابراین برخلاف اینکه کمتر نظریه‌ای را در جهان می‌توان یافت که جامعه‌ی جدید را اخلاقی‌تر بداند اما یافته‌های به دست آمده درباره‌ی جوانان شهر مشهد نشان می‌دهد، تجددگرایی آثار مثبتی بر اخلاق داشته است؛ به عبارت دیگر افرادی که گرایش بیشتری به تجدد داشته‌اند در عین حال نوع‌دوست‌تر بوده‌اند. براین اساس می‌توان گفت جوانان شهر مشهد را براساس نظریه‌های نوسازی و اندیشه‌های انتقادی از آن نمی‌توان تحلیل کرد. این افراد در عین حال که تحت تأثیر جدی تجددگرایی هستند اما هنوز به سنت‌ها توجه دارند و در عین حال تحت تأثیر نهادهای خویشاوندی و خانوادگی و نظام دینی هستند.

نتایج به دست آمده از نوعی مدرنیته‌ی بومی در ایران خبر می‌دهد که حداقل تاکنون توانسته است در بخش نوع‌دوستی عمومی نسل اخلاقی‌ای را ایجاد کند و مدرنیته‌ی بومی که حاصل تلفیق سه فرهنگ ایران باستان، اسلام و اعراب، و غرب است؛ امری که جهان‌شمول بودن مدرنیته را با سؤال جدی مواجه می‌کند.

منابع

- آریلاستر آنتونی. (۱۳۷۷). *ظهور و سقوط لیبرالیسم*، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- افضل‌ی، احمد. (۱۳۷۶). بررسی زمینه‌های تاریخی و ساختاری نوسازی در ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰ و ترکیه ۱۹۶۵-۱۹۴۰، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- امینی، سعیده. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر کنش دگردوستانه در بین شهروندان تهرانی، پژوهشنامه‌ی اخلاق، پژوهشگاه تحقیقات استراتژیک.
- انتظاری، بهزاد؛ جمالی، فیروز؛ کریم حسین‌زاده، دلیر. (۱۳۸۶). درآمدی بر اثرات فضایی سیستم صنعتی فوردیزم در توسعه‌ی شهر و مکان‌یابی شهرک‌های صنعتی (مورد نمونه: منطقه‌ی شهری تبریز)، مجله‌ی علمی - پژوهشی پژوهش‌های جغرافیایی، سال ۳۹، شماره‌ی ۶۱، صص ۷۳-۸۸.
- برمن، مارشال. (۱۳۸۶). مارکس و مدرنیسم و مدرنیزاسیون، ترجمه‌ی یوسف اباذری، فصلنامه‌ی ارغنون.
- بودریار، ژان. (۱۳۸۹). *جامعه‌ی مصرفی*، ترجمه‌ی پیروز ایزدی، تهران: نشر ثالث.
- پیت، هارت ویک؛ ریچارد، الین. (۱۳۸۹). نظریه‌های توسعه، ترجمه‌ی مصطفی ازکیا، رضا صفری شالی، اسماعیل رحمانپور، تهران: نشر لویه.
- جهاننگلو، رامین. (۱۳۸۸). *موج چهارم*، ترجمه‌ی منصور گودرزی، چاپ ششم، تهران: نی.
- حیدری بیگوند، داریوش؛ غیاث آبادی، رضا. (۱۳۸۸). بررسی گرایش به تجدد و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان شهر مشهد، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی.
- دورکیم، امیل. (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی و فلسفه*. ترجمه‌ی فریدون سرمد. تهران: کندوکاو.
- رهنما، مجید. (۱۳۸۵). *هنگامی که بینوایی*، فقر را از صحنه بیرون می‌راند، ترجمه‌ی حمید جاودانی، مؤسسه‌ی عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- _____ . (۱۳۷۲). لزوم زبانی تازه برای فقر، نشریه‌ی گفتگو، شماره‌ی ۲.
- ریتز، جورج. (۱۳۸۵). *نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

- زکی، حسین. (۱۳۸۴). فلسفه‌ی اخلاق، مجله‌ی فرهنگ جهاد، پاییز و زمستان، شماره‌ی ۴۱ و ۴۲.
- علاقبند، مهدی. (۱۳۸۴). عاملین مدرنیته در ایران، مجله‌ی اینترنتی علوم اجتماعی فصل نو، سال چهارم - شماره‌ی ۵۳.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۷). مدرنیته‌ی ایرانی، پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران به آدرس <http://mashrootiat.pchi.ir>
- _____ . (۱۳۸۹). مدرنیته در ایران، پایگاه مقالات تبیان، آدرس اینترنتی <http://www.tebyan-zn.ir>
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰). پیامدهای مدرنیته، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۵). بررسی آگاهی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ملکیان، مصطفی. (۱۳۸۹). درس گفتارهای روانشناسی اخلاق، تهران: مؤسسه‌ی پرسش.
- ممتاز، فریده. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی شهر، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- میرسپاسی، علی. (۱۳۸۱). دموکراسی یا حقیقت: رساله‌ای جامعه‌شناختی در باب روشنفکری ایرانی، تهران: انتشارات طرح نو.
- نیگل، توماس. (۱۳۷۹). معنای درست نادرست، فصلنامه‌ی فلسفی ادبی، فرهنگی ارغنون، شماره‌ی ۱۶ (فلسفه‌ی اخلاق).
- هابرماس، یورگن. (۱۳۹۱). مدرنیته پروژه‌ای ناتمام، مجموعه مقالات مدرنیته و مدرنیسم، ترجمه‌ی حسینعلی نودری، انتشارات نقش جهان.
- هلد، دیوید و مگ گرو. (۱۳۸۲). جهانی شدن و مخالفان آن، ترجمه‌ی عرفان ثابتی، تهران: انتشارات ققنوس.
- Allport, G. (1935). "Attitudes" in A Handbook of Social Psychology (pp. 798-844). Worchester, MA: Clark University Press
- Clifford.J. (1988). The Predicament of Culture: Twentieth-Century Ethnography, Literature, and Art ,Harvard University Press
- Durkheim E. (1973). On Morality and society ,Selected Writings Edited and with an Introduction by Robert N. Bellah, The University Of CHICAGO PRESS
- Frisby, D. (1992). German sociologists and modernity , in Simmel and since , Routledge
- Giddens, A. (2003). Runaway World: How Globalization is Reshaping

- our lives, publish Routledge new York, Profile Books
- Illich. I. (2007). Needs, The Development Dictionary , distribute by Palgrave a division of St martin press , LLC
 - Lamont. C. (1997). The philosophy of humanism newyork , Humanist press
 - Monfasani.J. (1998). Humanism, Renaissance, in Encyclopedia of philosophy, Routeledye, (london),. v4.p.530
 - Nunally, J. C. (1978). Psychometric Theory (2nd ed.). New York:McGraw-Hill.
 - Rahnama.M& Bawtree.V. (1997). The Post-Development Reader, Zed Books

